

## • بررسی تطبیقی حضرت زکریا و یحیی در قرآن و عهدجدید

سمیرا صبوریان‌زاد

(دانش‌آموخته دوره عالی علوم و معارف قرآن و عضو حلقه علمی قرآن دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی)

### چکیده

یکی از موارد اشتراکی میان کتاب مقدس عهدجدید و قرآن کریم، ذکر انبیای بزرگ چون زکریا و یحیی • است. قرآن از آن‌رو که کتابی صرفاً تاریخی نیست، در این داستان نیز به ذکر اهم وقایع می‌پردازد؛ اما عهدجدید از آن‌رو که راویان بشری دارد، به جزئیات تاریخی با تفصیل بیشتری پرداخته است. مطالعه تطبیقی این دو پیامبر، ما را به مواضع وفاق و نیز اختلاف آشنا می‌کند. این تطبیقات، بیانگر نگاه راویان صدور آن‌دو و در نتیجه بحث تاریخی بودن متن، و تحریف یا عدم تحریف، و زیبایی روایت‌ها در آن‌دو متن است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، کتاب عهدجدید، حضرت زکریا •، حضرت یحیی •، حضرت مریم •، داستان انبیای الهی.

## مقدمه

نام حضرت یحیی • پنج‌بار در قرآن آمده و داستان تولدش و صفاتی چون مهربانی، پرهیزگاری، فروتنی، نیکی به والدین و... در مورد ایشان ذکر شده است. در قرآن از یحیی به‌عنوان بشارت‌دهنده عیسی و کلمه الهی عیسی مسیح، سید، حصور و نبی نیز یاد شده است. داستان زندگی حضرت زکریا • نیز ضمن داستان مریم • و بشارت تولد یحیی در کهولت سنّ وی، در زمره اشارات قرآنی است. از زکریا و یحیی • در کتاب عهد جدید به‌روشنی یاد شده است و این تحقیق در تطبیق گزاره‌های این دو متن مقدس است.

این موضوع ذیل کتاب‌های قصص الانبیاء چون: «بررسی تاریخی قصص قرآن» اثر محمد بیومی، «مقایسه قصص در قرآن و عهدین» از عباس اشرفی و سایر آثار آمده است. این مقاله با رویکرد تطبیقی و به‌صورت کتابخانه‌ای پژوهش شده است.

## بخش اول. ویژگی‌های زکریا و یحیی • در قرآن

### ۱. اوصاف حضرت زکریا •

قرآن کریم درباره زکریا • می‌فرماید:

«وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۱</sup> «زکریا از بندگان صالح و صابر خداوند و پیامبری همانند اسماعیل، عیسی و الیاس بود.»

وی مورد رحمت خداوند بود و در سن پیری با همسری نازا، صاحب فرزندی به نام یحیی شد. ایشان هرگز از استجاب دعا محروم نبود و خداوند را در صبح و شام تسبیح می‌گفت و به عبادت خداوند می‌پرداخت.<sup>۲</sup>

همچنان که می‌دانیم زکریا • پس از مرگ عمران (پدر مریم)، سرپرستی مریم را برعهده گرفت و کسی جز او بر محراب وارد نمی‌شد و خداوند متعال می‌خواست که کرامت و ارجمندی مریم را به او بنمایاند، از این‌رو وی هرگاه که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد خود خوراکی می‌یافت:<sup>۳</sup>

«كَلَّمَآ دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ

۱. انعام/۵.

۲. رک: مریم/۱-۱۱.

۳. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه: محمد راستگو، ص ۲۱۵-۲۱۶.

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>۱</sup> «زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت. [می] گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو [آمده است؟ او در پاسخ می] گفت: «این از جانب خداست، که خدا به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد.»

زکریا • از پیری به ناتوانی رسیده و زنش نیز نازا بود. ابن عباس می‌گوید: سنّ زکریا در هنگام سرپرستی مریم، ۱۲۰ سال و زنش ۹۹ سال داشت.<sup>۲</sup> زکریا وقتی کرامت‌های خداوند متعال را در حق مریم دید و به‌ویژه آنکه دید، خداوند چگونه آن دوشیزه شایسته را به روزی می‌نوازد، به فضل و رحمت الهی امید بست. مفسران عقیده دارند که زکریا • در نزد مریم میوه‌های تابستانی را در زمستان، و میوه‌های زمستانی را در تابستان می‌دید و آنگاه که چنین لطف خارق‌العاده‌ای را ملاحظه کرد، امید به لطف خداوند بست تا مگر در حق او نیز برخلاف معمول طبیعت، لطفی ارزانی دارد و از زن پیر و نازایش فرزندی به او بدهد.<sup>۳</sup>

#### ۱.۱. بشارت ولادت بحیی • در قرآن

زکریا • وقتی نشانه‌های بارز قدرت الهی و احترامی را که به مریم پارسا عنایت کرده بود، مشاهده نمود، با پروردگار خود این چنین مناجات کرد:

«رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَاؤِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَيَرِثْ مِنْ أَلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»<sup>۴</sup> «پروردگارا! استخوان‌هایم سُست گشته و پیری مویم را سپید نموده است؛ ولی من هیچ‌گاه از عطای تو محروم نبوده‌ام. بارخدا! من از این وارثان کنونی بیمناک‌ام که راه باطل پویند و هم‌سرم نیز نازاست، از پیشگاه خود به من جانشینی شایسته عنایت کن که وارث من و همسر آل یعقوب باشد، خداوند! او را وارثی پسندیده و صالح مقرر دار!»

خداوند دعای زکریا • را به استجابت رساند و فرشتگانی را نزد او فرستاد تا به او مژده دهند که خدای متعال به‌زودی به او فرزندی عنایت خواهد فرمود و نام بحیی را برایش برگزیند که ویژه اوست و هیچ‌کس را به این اسم نامگذاری نکرده است و به

۱. آل عمران/۳۷.

۲. فخرالدین محمدبن عمر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب)، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۳۲-۳۳.

۴. مریم/۴-۶.

زودی برکات الهی بر او وارد می‌شود. وی به کتاب الهی ایمان می‌آورد و پیشوای قوم خود خواهد بود و از شهوات و هوای نفس اجتناب و دوری می‌کند.<sup>۵</sup>

زکریا • از این مژده شگفت‌زده شد و عرض کرد:

«قَالَ رَبِّ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَأَنْتَ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتَ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا» قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا» قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا» فَخَرَجَ عَلَيَّ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»<sup>۶</sup> «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! درحالی که همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از شدت پیری افتاده شده‌ام» فرمود: پروردگارت این‌گونه گفته (و اراده کرده) این بر من آسان است؛ و قبلاً تو را آفریدم درحالی که چیزی نبودی» عرض کرد: پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرارده! فرمود: نشانه تو این است که سه‌شنبه‌روز قدرت تکلم (بامردم) نخواهی داشت؛ درحالی که زبانت سالم است» او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد؛ و با اشاره به آنها گفت: (به شکرانه این موهبت)، صبح‌وشام خدا را تسبیح گوید!»

از امام محمدباقر • روایت است که چون یحیی • متولد شد، او را به آسمان بردند و از نهرهای بهشت او را غذا می‌دادند، و چون او را از شیر بازگرفتند او را به سوی پدرش فرود آوردند و در هرخانه‌ای که بود، خانه از نور رویش روشن می‌شد.<sup>۷</sup>

## ۲. اوصاف حضرت یحیی •

یحیی •، پاک و استوار به جوانی رسید، و این در حالی بود که در پرهیزگاری و پارسایی و فرمان‌پذیری از پروردگارش نمونه بود. او همچنین به نیکوکاری در حق پدر و مادر نیز زیانزد عام و خاص بود. خداوند متعال او را به دانش و حکمت نواخته و با رسالت بر او منت گذارده بود.<sup>۸</sup>

«أَنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ»<sup>۹</sup> «خداوند تو را به یحیی که تصدیق‌کننده فیض الهی (عیسی) و سرور و خویشان‌دار و پیامبری از نیکوکاران است نوید می‌دهد.»

۵. عفیف و عبدالفتاح طباره، همراه با پیامبران در قرآن، ترجمه: حسین خاکساران و عباس جلالی، ص ۴۰۱، ۶ مریم/۱۱.

۷. قطبالدین راوندی، قصص الانبیاء، ص ۲۱۶.

۸. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۲۹.

۹. آل عمران/۳۹.

خداوند متعال پیامبر بزرگوارش، حضرت بحیی • را در سوره آل عمران به چهار صفت وصف کرده است.

### ۲.۱. تصدیق کننده عیسی •

در قرآن شاهد دورابطه میان عیسی و بحیی • هستیم. اول، رابطۀ تصدیق کنندگی بحیی • برای عیسی • است که در همین آیه اشاره شده است: «أَنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِبِحْيِي مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ»

از ابن عباس روایت شده که عیسی و بحیی، پسر خاله بوده‌اند و مادر بحیی به مریم می‌گفت: «می‌بینم که فرزندم در شکم برای فرزندی که تو در شکم داری سجده می‌برد.»<sup>۱</sup> بحیی • شش ماه از عیسی • بزرگ‌تر بود و نخستین کسی بود که به او ایمان آورد و او را به عنوان کلمۀ و روح الهی تصدیق کرد.<sup>۲</sup>

رابطۀ دوم، بین زکریا و مادر عیسی یعنی مریم • در موضوع سرپرستی مریم توسط زکریا است که در آیه زیر به آن اشاره شده است:

«فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»<sup>۳</sup> «خداوند، او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛ و کفالت او را به زکریا سپرد.»

### ۲.۲. آقای و سروری

دومین وصف درباره بحیی •، «سید سرور» بودن اوست. ابن عباس، سید را به بردبار و بزرگوار و پرهیزگار تفسیر کرده است. سید کسی است که بر قوم خویش سروری دارد، یعنی از جایگاه و مرتبت بالاتری از آنان برخوردار است و بحیی • از این حیث بر قوم خویش برتر بود؛ چراکه هرگز مرتکب گناهی نشد، و در نتیجه بر آنان سروری داشت. آن‌گاه کسی که در امور دین سرور و پیشوا باشد، قطعاً اوصافی دیگر از قبیل دانش، بردباری، بخشندگی، زهد، پارسایی و پرهیزگاری را نیز در بر می‌گیرد.<sup>۴</sup>

### ۲.۳. خویشن داری

حصر در لغت به معنای حبس و بازداشتن است و بیشتر محققان برآنند که بحیی از روی پاکدامنی و پارسایی، خویشن را از نزدیک شدن به زنان نگاه می‌داشت و از این رو،

۱. سید محمد آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۱۴.

۲. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۲۶.

۳. آل عمران/۲.

۴. ابوحفص نجم‌الدین محمد نسفی، تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۱۵۶.

حضور به معنای کسی است که بسیار خویشتن دار است و جلوی خود را می گیرد.<sup>۱</sup> باید توجه کنیم که ویژگی «حضور»، ستایشی برای بحیی • است و هرگز به این معنا نیست که وی همسری اختیار نکرد یا با ایشان نزدیکی نمی کرد؛ زیرا چنان که بسیاری گفته اند وی از گناهان و پلیدی ها برکنار بود. در تأیید این، گفته اند که حتی در دعای پدرش پیش از تولد وی، از دیاد نسل خواسته شده بود؛ زیرا می گوید: «هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً». بنابراین گویا خواسته پدرش زکریا، این بود که خداوند به او فرزندی دارای ذریه و نسل پیوسته ببخشد.<sup>۲</sup>

#### ۲.۴. نبوت

چهارمین وصف بحیی •، «وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» یعنی نبوت اوست. پس از بشارت به تولدش، دومین و در عین حال والاترین مژده این بود که حضرت زکریا درباره او دریافت کرد.<sup>۳</sup>

در سوره مریم نیز درباره نبوت ایشان می خوانیم:

«يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»<sup>۴</sup> «ای بحیی! کتاب را با قوت بگیر و ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم.»

• خداوند به او کتاب داد و کتاب همان تورات، کتاب بنی اسرائیل پس از موسی است که پیامبران شان احکام آن را به پا داشته، آن را به مردم می آموختند و به آن حکم می کردند و در واقع یکی از مهمترین نعمت های الهی بر بنی اسرائیل بود. چنان که می فرماید:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبِيَّةَ»<sup>۵</sup> «و به بنی اسرائیل کتاب و فرمانروایی و پیامبری دادیم.»

و نیز می فرماید: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا» وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»<sup>۶</sup> «ای بحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم» و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و

۱. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۲.

۲. اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۱، ص ۵۴۱-۵۴۲.

۳. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۲.

۴. مریم/۱۲.

۵. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۳۰.

۶. مریم/۱۲-۱۵.

پاکی (دل و جان) و او پرهیزگار بود\* او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و جبار (و متکبر) و عصیانگر نبود\* سلام بر او، آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می‌شود.»

### ۲.۵. مهرورزی

خداوند می‌فرماید ما از نزد خویش، یحیی • را مهرورز قرار دادیم، یعنی خداوند متعال به‌عنوان بخشش از نزد خود (بدون هیچ مشقت و آموزشی) به او مهربانی ارزانی داشت، که چنین وصفی در حق او و برای او بسیار پسندیده بود. مهربانی و مهرورزی برای هر پیامبری که مکلف به رعایت احساس و عواطف دل و جان مردم و جذب مهربانان آنان به نیکی باشد، ضروری است.<sup>۱</sup> روایت است که «حتّان» در اینجا به‌معنای محبت است؛ یعنی از نزد خویش به او محبتی دادیم و او را محبوب و خوشایند مردم قرار دادیم؛ چنانکه هر کس او را می‌دید، به او مهر می‌ورزید.<sup>۲</sup>

### ۲.۶. پاکی

زکات به‌معنای پالودگی از آلودگی و گناه است. از ابن عباس روایت شده که معنای «زکاة»، برکت است و یعنی خداوند متعال به او پاکی، پاک‌دامنی، پاک‌دلی و پاک‌سرشتی داده تا با آن هرگونه آلودگی را از دل و جان بزدايد و و آن را پاک و پالوده بدارد.<sup>۳</sup>

### ۲.۷. پرهیزگاری

حضرت یحیی • مؤمنی متقی و پرهیزگار بود و دائماً به امر خداوند، پرهیزگار و مراقب بود، به‌نحوی که از او بیم داشت و همواره در عیان و نهان، خدا را ناظر بر خود می‌دید، و گفته شده که سزاوارترین مردم به تقوا کسی است که نه گناهی مرتکب شده و نه آهنگ گناهی کرده است و به‌عنوان مثال یحیی بن زکریا • را شاهد آورده‌اند.

### ۲.۸. نیکی به والدین

یحیی • به پدر و مادر خویش نیکوکار و در فرمان‌برداری و محبت به آنان پیشرو بود و هرگز از فرمان آنان سر نمی‌پیچید؛ چراکه پس از تعظیم خداوند متعال، هیچ

۱. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۳۲.

۲. سید محمد آلوسی، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۶، ص ۳.

۳. سیدبن قطب‌بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۳۰۴.

۴. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۳۳.

عبادتی همسان با بزرگداشت پدر و مادر نیست.<sup>۱</sup> از این روی خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛<sup>۲</sup> «پروردگارت چنین مقرر داشته که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خویش نیکی کنید.»

### ۲.۹. فروتنی

یکی دیگر از اوصاف بحیبی • ستمکار نبودن وی بود. وی هرگز از روی کبر و برتری‌جویی از حق روی بر نمی‌تافت و همواره به راستی گردن می‌نهاد و هرگز به مردم فخر نمی‌فروخت و بر آنان برتری نمی‌جست.<sup>۳</sup> از ابن عباس روایت شده، جبار کسی است که می‌گشود و از روی خشم مردم را گردن می‌زند.<sup>۴</sup> در این آیه، مراد وصف فروتنی و نرم‌خویی حضرت بحیبی • است که متصف به اوصاف مؤمنان شده است. خداوند متعال در حق پیامبر اکرم • نیز می‌فرماید:

«فَيَمَّا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»؛<sup>۵</sup> «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.»

### ۲.۱۰. تواضع در برابر خدا

«وَلَمْ يَكُنْ ... عَصِيًّا»؛ یعنی یحیی • هرگز سرکش نبود. عَصِيٌّ از عاصی بلیغ‌تر است و منظور، مبالغه در پرهیزگاری است. طبرسی می‌گوید: «وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا» یعنی از طاعت خداوند و فرمان پدر و مادر سر نمی‌پیچید؛ بلکه برای خداوند و پدر و مادر خویش، فروتن و متواضع بود و از اوامر آنان فرمان می‌پذیرفت و از نواهی آنان باز می‌ماند و هرگز نسبت به خداوند و پدر و مادرش سرکش نبود.<sup>۶</sup>

### ۲.۱۱. دروهای سه‌گانه

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»؛ «درود بر او باد روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.»

همچنان که می‌دانیم، هولناک‌ترین لحظه‌های انسان در سه جایگاه زمانی است: روزی که به دنیا آید و خود را بیرون از جایی که بوده احساس می‌کند؛ و روزی نیز

۱. همان.

۲. اسراء/۲۲.

۳. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۳۳.

۴. سید محمد آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۶، ص ۳.

۵. آل عمران/۱۵۹.

۶. ابوجعفر محمدبن جریر طبرسی، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۵.



که می‌میرد و گروهی را می‌بیند که هرگز آنان را ندیده است؛ و سوم، روزی است که برانگیخته می‌شود و خویشان را در محشری سترگ می‌بیند. بدین‌سان خداوند متعال یحیی • را در هر سه مرحله به‌طور ویژه، ایمن داد.<sup>۱</sup>

از حسن بصری روایت شده که:

«یحیی و عیسی • در جایی همدیگر را ملاقات کردند. عیسی به او گفت: برای من آمرزش بخواه که تو از من بهتری. یحیی نیز به او گفت که برای من آمرزش بخواه که تو از من بهتری. عیسی گفت: نه تو از من بهتری، من بر خویشان درود فرستاده‌ام؛ اما خداوند بر تو درود فرستاده است؛ پس سوگند به خداوند که فضل هر دوی آنان معلوم گردید.»<sup>۲</sup>

### بخش دوم. ویژگی‌های حضرت زکریا و یحیی • در عهد جدید

#### ۱. اوصاف زکریا •

زکریا • کاهنی یهودی و عضو دسته‌ای از خدمه خانه خدا و بسیار درستکار و مجری احکام الهی با جان و دل بود. او توسط فرشته خدا در ایام پیری به یحیی نبی • وعده داده شد و در زمان تولد یحیی از روح القدس پر شد و نبوت کرد.<sup>۳</sup>

همسر زکریا •، الیزابت نام داشت که از نسل هارون (برادر موسی) و از قبیله کاهنان یهود بود.<sup>۴</sup> الیزابت زنی پارسا، متعبد، مجری احکام الهی، پیر، سال‌خورده و نازا بود.<sup>۵</sup>

#### ۱.۱. بشارت ولادت یحیی به زکریا • در عهد جدید

زکریا • و الیزابت پیر و سال‌خورده بودند و نیز الیزابت نازا بود. فرشته خدا (جبرئیل) در جایگاه مقدس خانه خدا، بر او ظاهر شد و در طرف راست قربانگاه ایستاد. زکریا از دیدن فرشته، می‌بهرت و هراسان شد؛ ولی فرشته او را تسلی داد و به او بشارت پسری به نام یحیی • داد که موجب شادی و سرور والدین و بسیاری دیگر شد.<sup>۶</sup> زکریا • به فرشته گفت:

۱. محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ص ۲۳۵.

۲. ابوحفص نجم‌الدین محمد نسفی، تفسیر نسفی، ج ۲، ص ۳۰.

۳. ر ک: لوقا، ۱: ۶-۱۵.

۴. لوقا، ۱: ۵.

۵. لوقا، ۱: ۷.

۶. ر ک: همان.

«ولی غیر ممکن است! چون من پیر شده‌ام و همسر من نیز سال خورده است! فرشته در جواب گفت: من جبرائیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و اوست که مرا فرستاده تا این خبر خوش را به تو دهم؛ اما حال که سخنان مرا باور نکردی، قدرت تکلم را از دست خواهی داد و تا زمانی که کودک به دنیا بیاید، یاری سخن گفتن نخواهی داشت، و آنچه گفتم در زمان مقرر واقع خواهد شد.»<sup>۱</sup>

زمانی که زکریا از جایگاه مقدس به صحن آمد، قدرت تکلم نداشت؛ لذا مردم فهمیدند که او رؤیایی دیده است. پس از مدتی اندک الیزابت باردار شد و پسری به دنیا آورد و چون نوزاد هشت‌روزه شد، تمام بستگان و دوستان برای مراسم ختنه جمع شدند و می‌خواستند نام او را زکریا بگذارند؛ ولی الیزابت نام او را یحیی نهاد و چون با اشاره از زکریا خواستند که نام او چه باشد، زکریا با اشاره، تخته‌ای خواست و روی آن نوشت: «نامش یحیی است» و در این هنگام زبان زکریا باز شد، و خدا را شکر کرد.<sup>۲</sup>

### ۱.۲. نبوت یحیی • در عهد جدید

جبرائیل در حین بشارت یحیی به زکریا • او را این چنین توصیف می‌کند: «این پسر باعث شادی و سرور شما خواهد شد و بسیاری نیز از تولدش شاد خواهند شد؛ زیرا او از مردان بزرگ خدا خواهد شد. او هرگز نیاید شراب و مشروبات مستی آور بنوشد؛ چون حتی پیش از تولد از روح‌القدس پر خواهد بود. بسیاری از بنی‌اسرائیل توسط او به‌سوی خداوند، خدای خود بازگشت خواهند نمود. او خدمت خود را با همان روح و قدرت الیاس (یکی از انبیای قدیم) انجام خواهد داد. او پیشاپیش مسیح خواهد آمد تا مردم را برای ظهور او آماده کند و به آنها بیاموزد که همچون اجداد و خویش خداوند را دوست داشته باشند.»<sup>۳</sup> یحیی رشد کرد و صاحب روحی توانا شد. او در بیابان به سر می‌برد تا روزی فرارسید که می‌بایست خدمت خود را در میان قوم بنی‌اسرائیل آغاز کند.

### ۱.۳. یحیای تعمیددهنده

یحیی • اغلب روزه دار بود<sup>۴</sup> و لباسی از پشم شتر بر تن داشت و خوراکش ملخ و عسل صحرائی بود.<sup>۵</sup> او مردم را موعظه می‌کرد که توبه کنند؛ زیرا ملکوت خداوند به

۱. لوقا، ۱: ۱۸-۲۰.

۲. لوقا، ۱: ۲۲-۲۵؛ و ۵۷-۶۴.

۳. لوقا، ۱: ۱۴-۱۷.

۴. مرقس ۲: ۱۸.

۵. متی ۳: ۴.

زودی فرامی‌رسد. مردم به نزد او آمده، اعتراف به گناه می‌کردند و در رود اردن غسل تعمید<sup>۱</sup> می‌گرفتند و از این جهت بحیی مشهور به «تعمیددهنده» بود.<sup>۲</sup>

#### ۱.۴. تمهید دعوت عیسی توسط بحیی •

وظیفه اصلی بحیی • تمهید مردم برای ایمان به عیسی مسیح بود. در انجیل یوحنا می‌خوانیم:

«خدا یحییای پیغمبر را فرستاد تا این نور را به مردم معرفی کند و مردم به او ایمان آورند.»<sup>۳</sup>

در عهد جدید، دو رابطه بین عیسی و بحیی در نظر گرفته شده است: اول، رابطه خویشاوندی و دیگری بشارت‌دهندگی و تمهید دعوت عیسی مسیح توسط بحیی است.<sup>۴</sup>

در انجیل لوقا آمده که مریم پس از اینکه از روح‌القدس پر شد، تدارک سفر دید و شتابان به نزد الیزابت رفت. وقتی مریم به الیزابت سلام کرد، بچه در شکم او تکان خورد و الیزابت پر از روح‌القدس شد. مریم حدود سه‌ماه نزد الیزابت ماند سپس به خانه خود بازگشت.<sup>۵</sup> این عبارت، نشان‌دهنده نسبت خویشاوندی بین مریم و الیزابت است. از جانب دیگر در کتاب مقدس، وظیفه بحیی، تمهید راه برای مسیح است. وقتی شائبه این می‌رفت که یحیی همان مسیح است، وی به مردم گفت:

«من شما را با آب تعمید می‌دهم؛ اما به زودی شخصی خواهد آمد که شما را با روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد. مقام او بالاتر از من است و من حتی لایق نیستم که بند کفش‌هایش را بکشایم.»<sup>۶</sup> و در آن زمان عیسی • از ایالت جلیل به سوی رود اردن آمد تا از بحیی • تعمید گیرد؛ ولی بحیی مانع شد و گفت:

«این کار شایسته نیست، این منم که باید تو را تعمید بگیرم. اما عیسی گفت: مرا

۱. تعمید واژه‌ای یونانی (Πνεύμα) و به معنای فرورفتن و با غوطه‌ورشدن در آب است. با این کلمه، رفتار تعمیددهنده که شخص ایمان‌دار را در آب فرو می‌برد، تشریح می‌شود. کلمه تعمید توسط زبان عربی از ترجمه قدیم انجیل به زبان آرامی که کلمه معمودیتا را به کار می‌برد، گرفته شده است. این واژه به معنای برپایستادن و پابرجاشدن است. (برای بیشتر رک: انجیل لوقا چه می‌گوید؟ کانون بوحنای رسول)

۲. متی، ۳: ۱-۶

۳. یوحنا، ۱: ۶-۷

۴. عباس اشرفی، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، ص ۳۰۶.

۵. رک: لوقا، ۱: ۵۶

۶. لوقا، ۳: ۱۶

تعمید بده؛ زیرا این چنین حکم خدا را به جا می‌آوریم.»<sup>۱</sup>

در انجیل یوحنا آمده که یحیی، عیسی را به مردم معرفی کرد و گفت: «این همان کسی است که به شما گفتم بعد از من می‌آید و مقامش از من بالاتر است؛ زیرا پیش از آنکه من باشم او وجود داشت.»<sup>۲</sup>

## ۲. شهادت زکریا • در عهد جدید

عیسی مسیح در توییخ فریسی‌ها و علمای یهود که تظاهر به دین‌داری می‌کردند، فرمود:

«خون مردم بی‌گناهی که شهید شده‌اند به گردن شما خواهد بود، یعنی از هابیل معصوم گرفته تا زکریا پسر برخیا که او را داخل خانه خدا، بین عبادتگاه و قربانگاه کشتید.»<sup>۳</sup>

## ۳. شهادت یحیی • در عهد جدید

هیروودیس و همسرش هیروودیا با یحیی سر دشمنی داشتند و علت آن نیز مخالفت یحیی با ازدواج هیروودیس و هیروودیا بود؛ چراکه هیروودیا قبلاً زن برادر هیروودیس یعنی فیلیپ بود و به‌همین خاطر یحیی را به زندان انداختند.

در جشن میلاد هیروودیس، هنگام رقصیدن دختر هیروودیا، هیروودیس که بسیار شاد شده بود، در حضور همه سوگند باد کرد که هر چه بخواهد برایش آماده کند و او نیز بنا به سفارش مادرش، تقاضای سر یحیی • را کرد. هر چند پادشاه از این تقاضا رنجیده خاطر شد؛ اما دستور به انجام آن داد و دختر نیز سر یحیی را تقدیم مادرش کرد. آن‌گاه شاگردان یحیی آمدند و بدن او را به خاک سپردند.<sup>۴</sup>

## بخش سوم. نتایج

با استناد به داستان حضرت زکریا و یحیی • پی‌می‌بریم، داستان‌های قرآنی عام و کلی است و از آنجا که قرآن کتابی صرفاً تاریخی نیست، لذا از ذکر جزئیات پرهیز دارد. حال آنکه در عهد جدید به ویژه در انجیل اربعه، جزئیاتی ذکر شده که لزومی به نقل آنها نبوده است. از همین موضوع می‌توان نتیجه گرفت که متن عهد جدید،

۱. متی، ۳: ۱۴-۱۵.

۲. یوحنا، ۱: ۱۵.

۳. لوقا، ۱۱: ۵۱ و متی، ۲۳: ۲۵.

۴. متی، ۱۴: ۱-۱۲.

موارد تاریخی‌اش بسیار است و وجود روایت‌های اناجیل، خود دلیلی بر بشری بودن نویسندگان آن است. مثلاً در گزارشات مختلف از عهدجدید به ذکر مصادیق، اماکن، افراد متعدد و نام‌های پراکنده برمی‌خوریم و می‌بینیم که بک داستان را به چند نقل بیان نموده است؛ درحالی‌که در قرآن تنها به ذکر قسمتی از حادثه پرداخته که ضروری بوده و ناظر به یک حکمت و پند ویژه است.

در زیر به اهم موارد وفاق و اختلاف داستان زکریا و یحیی اشاره می‌شود که به نوعی اشاره به نتایج مقاله نیز هست.

### ۱. موارد اشتراک و وفاق

- ۱،۱. در هر دو کتاب، زکریا • نبی و مورد رحمت خداوند بود و به یحیی بشارت داده شد.
- ۱،۲. در هر دو کتاب همسر زکریا نازا است، با این تفاوت که در قرآن نازا و عقیم و در عهدجدید نازا و سال خورده گفته شده است.
- ۱،۳. هر دو کتاب، بشارت را در خلوتگاه عبادت ذکر می‌کنند، با این تفاوت که در قرآن بشارت در پی دعای زکریا • و استجاب خداوند محقق شده است.
- ۱،۴. در هر دو کتاب، زکریا • پس از بشارت قدرت تکلم ندارد؛ ولی در قرآن مدت آن سه‌روز و علت آن نشانه‌ای از سوی پروردگار است. اما در عهدجدید مدت آن، تا زمان تولد یحیی و علت آن تنبیه زکریا به سبب باور نکردن بشارت خداوند است.
- ۱،۵. دو کتاب، در تصدیق‌کنندگی یحیی و عیسی • مشترکند؛ ولی در عهدجدید علاوه بر تصدیق مسیح، به معرفی او نیز می‌پردازد و اصل آمدن یحیی برای تمهید راه مسیح، معرفی شده است.
- ۱،۶. رابطه خویشاوندی بین مریم و الیزابت در عهدجدید تصریح شده؛ ولی در قرآن به صراحت نیامده است؛ بلکه از کفالت مریم توسط زکریا •، احتمال خویشاوندی دریافت می‌شود.

• ۱،۷. هر دو کتاب، به پیری و فرسوده‌بودن والدین (حین تولد یحیی) قائل‌اند.

• ۱،۸. در عهدجدید و قرآن، یحیی • به‌عنوان پیامبر الهی معرفی شده است.<sup>۱</sup>

### ۲. مواضع اختلاف

• ۲،۱. در قرآن، زکریا • پیامبر خدا است؛ ولی در عهدجدید کاهن و نبی است.

• ۲،۲. در قرآن صفات صالح، صابر، مستجاب‌الدعوه و تسبیح‌گو و عابد برای او آمده؛

۱. عباس اشرفی، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، ص ۳۰۲-۳۱۱.

ولی در عهدجدید، کاهن بودن، درستکاری، مجری احکام الهی با دل و جان بودن برای او آمده است.

۲,۳. در عهدجدید، همسر زکریا، الیزابت از نسل هارون و از قبیله کاهنان، زنی پارسا و متعبد ذکر شده است؛ ولی در قرآن، به نام و صفات و نسب آن اشاره نشده است.

۲,۴. در قرآن، زکریا • سرپرست مریم • معرفی می‌شود؛ ولی در عهدجدید چنین نیست. در عهدجدید، سخنی از سرپرستی مریم در کودکی و با زمانی دیگر به چشم نمی‌خورد؛ بلکه مریم، شخصیتی است که ذیل شخصیت عیسی • جای گرفته است؛ لذا فقط برهه‌ای از زندگی مریم در عهدجدید آمده که با داستان عیسی مسیح پیوند دارد. و تنها، رابطه خویشاوندی بین مریم و الیزابت (همسر زکریا) بعد از بشارت عیسی و اقامت سه‌ماهه مریم نزد الیزابت، مشهود است.<sup>۱</sup> در قرآن، نسبت بین مریم و زکریا • در رابطه با تربیت مطرح می‌شود؛ ولی در عهدجدید نسبت نسبی مطرح می‌شود.

۲,۵. در قرآن، یحیی، جانشین زکریا و از دودمان یعقوب است؛ اما در عهدجدید سخنی از آن نیست.

۲,۶. یحیی • در بیابان زندگی می‌کرد و از خوراک صحرائی چون ملخ و عسل استفاده می‌نمود و مردم را با آب جهت آمادگی برای ورود در ملکوت خداوند، غسل تعمید می‌داد؛ اما در قرآن سخنی از آن نیست.

۲,۷. در قرآن، اعطای نبوت به یحیی • در کودکی است؛ ولی عهدجدید، زمان را مشخص نمی‌کند.

۲,۸. در قرآن، سخن از کتابی آسمانی است که خداوند دستور گرفتن آن را به یحیی می‌دهد؛ اما در عهدجدید، سخنی از کتاب آسمانی وی نیست.

۲,۹. موضوع شهادت زکریا و یحیی • فقط در عهدجدید مطرح شده؛ بنابراین قرآن به آن اشاره‌ای نکرده است.<sup>۲</sup>

## منابع

قرآن کریم.

کتاب عهدجدید (ترجمه پیروز سیار، نشر نی، تهران، ۱۳۸۷ ش).

۱. رک: لوقا، ۱: ۵۶.

۲. عباس اشرفی، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، ص ۳۰۲-۳۱۱.

۱. ابن کثیر، حافظ عمادالدین ابی‌الفداء اسماعیل بن عمر، قصص الأنبياء، تحقیق احمد محمود الخولی و دیگران، دارالسلام، مصر، ۱۴۲۸ق.
۲. اشرفی، عباس، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، ۱۳۸۵ش.
۳. آلوسی، سید محمد، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۴. بیومی، محمد، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه محمد راستگو، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۵. طباره، عقیف و عبدالفتاح، همراه با پیامبران در قرآن، ترجمه حسین خاکساران و عباس جلالی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ش.
۶. طبری، ابی‌جعفر محمد بن جریر، تفسیر الطبری المسمی جامع البیان فی تأویل القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۷. فخررازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۸. قصص الانبياء، قطب‌الدین راوندی، نشر دار احیاء الکتب، بغداد، ۲۰۰۹/۱۴۳۰م.
۹. نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد، تفسیر نسفی، سروش، تهران، ۱۳۶۹ش.